

سید

تا کی آخر خوب نشسته سر غفلت در پیش حیف باشد که در خواب
 کونظر باز آن خلعت ناز بپوشد ای که باورد تلخی فی شجر اکثر نار
 پاک و بی عیب خدا می که بقدر غیرت ماه و خورشید منور کند و لیل و نهار
 چند ازین عمر کوه نامه که در کوه کزشت یارب از هر چه خطا رفت هزار
 آن که باشد که نه بندد مگر طاعت تو جای آنست که کافر بکشاید و نثار
 هر چون می فریاید که من توبه کنندگان و طهارت کنندگان دوست
 میدارم پس آنکی که دم از محبت الله تعالی میزند اولی آن بود که
 در طهارت ظاهر و باطن هر دو سعی جمیل نماید تا شایسته مقام
 مناجات با او شود پس علم طهارت دانستن از واجبات بود
 که فرض و سنت و آداب و تقوی آن همه ظاهر و باطن بدانند
 و بشناسد و مستعمل و نجس از هم بشناسد و اخلاقی که در
 ایمه و مجاهدت بدانند و آنچه در طهارت ضرورت باشد بدانند
 و آنچه طهارت بیان باطل میشود بدانند و آنچه غسل باطل
 بدانند و آنچه واجب نشود بدانند آنجا که فقهای اسکندریان
 بر آنند که این فقیر بدان و قوف یافته بود و از کتب معلوم

شده بود بیان کنیم بر مود چون در رسته علم یافت توفیق
 او را هم مقام اعلی می رساند بر ازین مقدمات معلوم شد که عملی
 درست نیست و طهارت مفتاح عمل است پس بدانکه اهل سعادت
 هر چه یافته اند از توبه پاک و طهارت ظاهر و باطن یافته اند
 درین بحر سعادت که در این طهارت یابی و شایسته ای
بدانکه این باب مشتمل بر ده فصل است هر بر از دلایل
 قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله **اول** طبقات پاک و باطن
 و شرایط آن **دوم** کیفیت وضو **سوم** فرائض و سنت و آداب
 وضو **چهارم** در فضیله وضو **پنجم** در کیفیت غسل **ششم**
 در کیفیت تیمم **هفتم** در اجناس فضلات تن **هشتم** در آنچه تعلق
 بغسل می بخیران و قسم های غریبه که از قرآن و حدیث معلوم شده
نهم در بیان دریاها و شطها و نهرها و چاهها و آبهای
 که علیهم کتب آورده اند در هر فصلی بیان کنیم ان شاء الله تعالی
 و ان شاء التوفیق **فصل اول** طبقات پاک و باطن
 در بیان طبقات پاک و باطن و حضرت رساله شاه **محمد**